



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۹/۲۴

زرغونه ولی

صلحی که نیامد، دولتی که ساخته نشد

تحلیل ساختار نیافته قدرت در افغانستان

افغانستان امروز، تصویری است از کشوری که نه جنگ تمام شدن را تجربه می کند ، نه صلح را، و نه دولتی را که بتوان آنرا نماینده ی اراده ی ملی دانست . رویداد غیر قابل انتظار که در اگست ۲۰۲۱ رخ داد ، نه پایان یک فصل ، بلکه ورود به برهه ای تازه از بن بست سیاسی و بی ساختاری بود که در آن ، نه دولتی شکل گرفت که پاسخگوی مردم باشد ، و نه صلحی آمد که پایان رنج ها را نوید دهد.

طالبان با تصرف دولت ، قدرت ، و عده ی ثبات ، امنیت و نظام اسلامی را دادند اما آنچه تاکنون محقق شده ، انزوای بین المللی ، سرکوب داخلی و تعلیق آینده ای است که قرار بود پس از سال های جنگ از مسیر گفت و گو و دولت سازی عبور کند در این میان ، جامعه جهانی با نگاهی محتاط و بعضاً بی تفاوت ، تحولات را نظاره می کند و مردم افغانستان ، باز هم بدون نقش و صدا در حاشیه تاریخ قرار گرفته اند، پس از بازگشت طالبان به قدرت در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ ، افغانستان وارد مرحله ای از رکود سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شد که نشانه های بن بست در همه عرصه های حیات عمومی آن قابل مشاهده است. در این میان، پرسش های جدی درباره علل این وضعیت، سکوت جامعه جهانی و عدم حمایت از مقاومت های مدنی و نظامی در برابر طالبان مطرح می شود.

“چرا افغانستان در بن بست سیاسی بسر می برد، چرا طالبان به خواست های مردم و جامعه جهانی تن نمی دهند و چرا جهان نظاره گر و خاموش اند!

مقاومت های سیاسی ، نظامی و مدنی علیه طالبان نتوانستند بدیل مقبولى ایجاد کنند و حمایت جهانی را کسب نمی کند!“ چرا پس از بیست سال تجربه دولت سازی و حمایت خارجی، نظامی فراگیر شکل نگرفت؟ چرا عواملی داخلی ، رویکرد طالبان و سکوت جامعه جهانی

این نوشتار ، تلاشی است برای واکاوی وضعیت کنونی قدرت در افغانستان : ساختار های که ساخته نشده مشروعتی که به دست نیامده. و صلحی که همچنان در افق نا معلوم آینده گم شده است تحلیل پیش رو ، پرسش هایی بنیادین را مطرح می کند

که در ادامه با پیشکش این مقاله به اهداف و واکاوی ابعادی وضعیت موجود می پردازم

وضعیت کنونی سیاسی کشور ، بیانگر شگاف های ژرف و حل نشده در ساخت قدرت است که می توان از

- ۱-انحصار قدرت و غیاب ساختار های مشروع
- ۲-نبود قانون اساسی و نهاد های مشروع
- ۳-طالبان سرسخت در برابر خواست جامعه جهانی قرار دارند
- ۴-مقاومت های نظامی و سیاسی علیه طالبان حمایت جهانی را کسب نکرده اند
- ۵-خاموشی و سکوت جهان منحصراً تماشاگران به تحلیل و توضیح بند های یاد شده می پردازم:

۱-انحصار قدرت و غیاب ساختار های مشروع طالبان تاکنون هیچ گونه نظام سیاسی فراگیر را جایگزین حکومت قبلی نکرده اند . اداره کشور بت صورت انحصاری ، بدون مشارکت اقوام ، احزاب و نخبگان سیاسی ، زمینه ساز یک خلا بزرگ مشروعیت شده است . همچنین ، نبود قانون اساسی معتبر و نهاد های انتخابی، کشور را از حد اقل معیار های حکمرانی مدرن محروم ساخته و گفت و گوهای سیاسی را به بن بست کشانده است

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولی

۲- نبود قانون اساسی و نهاد های مشروع
فقدان یک قانون اساسی پذیرفته شدت و نهاد های انتخابی مشروع فضای گفت و گو و انتقال مسالمت آمیز قدرت را از بین برده است
سرکوب جامعه مدنی و رسانه ها : فشار بر رسانه ها ، فعالان مدنی و زنان ، فضا را برای مشارکت گفت و گوی سیاسی مسدود کرده است

۳- طالبان سرسخت در برابر خواست جامعه جهانی قرار دارند !

طالبان نه تنها در برای. مطالبات برای حقوق زنان ، آزادی بیان و مشارکت سیاس مقاومت نشان می دهند ، بلکه خواست های جامعه جهانی برای اصلاح رفتار خود را نیز نادیدت گرفته اند . دلیل این سر سختی را می توان در چند عوامل جستجو کرد که چرا طالبان به خواست های مردم و جامعه جهانی تن نمی دهند ؟ در قدم اول ایدئولوژی سختگیرانه طالبان بیش از حد محافظه کارانه و افراطی از اسلام پیروی می کنند که با بسیاری از اصول حقوق بشری و دموکراسی در تضاد است .
و ترس از فرو پاشی داخلی بخش دیگری از نگرانی های طالبان است . هر گونه عقب نشینی یا باز کردن فضای سیاسی ، ممکن است موجب ریزش درونی در صفوف طالبان شود و مشروعیت آن ها را نزد حامیان ایدئولوژیکی شان تهدید کند و همچنان عدم وابستگی سان ، به غرب و تحریم های وارد شده به آنها
با وجود این همه تحریم ها طالبان از منابع داخلی (مانند مالیات ، استفاده غیر قانونی از معادن ، قاچاق با حمایت های برخی از کشور های جهان مانند پاکستان ، چین ، روسیه ، ازبکستان و بخشی از کشور های خلیج برخوردار است که بهره می برد .

۴- مقاومت های نظامی و سیاسی علیه طالبان حمایت جهانی را کسب نکرده اند !

با وجود شکل گیری ایجاد برخی از نهاد های نظامی و سیاسی بیشتر در بیرون مرز این نیرو ها چه در داخل مانند (جبهه مقاومت) و چه در خارج در تبعید پراکنده و بدون انسجام و هماهنگی هستند که نتوانستند حمایت معنا دار جامعه جهانی را جلب کنند
تفرقه و نا هماهنگی داخلی میان گروه های اپوزیسیون ، نبود چشم انداز روشن برای آین ت سبببسی افغانستان سابقه منفی برخی از چهره های اپوزیسیون در دولت های پیشین
و ترس مردم از دوباره به قدرت رسیدن تعدادی از سیاسیون چپاولگر جمهوریت که سابقه حضور در دولت پیشین را دارند به دلیل فساد و بیکاره بودن نظام نزد مردم و جامعه جهانی که مشروعیت آنها هم زیر سوال مردم افغانستان و جامعه جهانی است به این اساس آنها قادر نشده اند که بار دوم حمایت جامعه جهانی را جلب کنند و نکته مهم نگرانی های مردم از بازگشت به جنگ داخلی تازه و بی پایان است.

۵- خاموشی و سکوت جهان منحصت تماشاگران خاموش !
خستگی از جنگ جامعه جهانی بخصوص امریکا و ناتو با کشتار سربازان شان در افغانستان و مصارفات میلیون دالری شان در ۲۰ سال جمهوریت که حضور پر هزینه بی دستاورد داشتند تمایلی به در گیری دوباره با اعمال فشار شدید به آنها ندارند از جانب دیگر بحران های دیگر جهانی مانند جنگ اوکراین ، رقابت های اقتصادی چین و امریکا ، درگیری های غزه ، اولویت افغانستان را از جهان دور کرد و نکته مهم که عدم وجود جایگزین یا الترناتیف طالب که قابل قبول جامعه جهانی باشد مخالفان طالبان هنوز نتوانسته اند که خود را به عنوان یک بدیل سیاسی فراگیر و مشروع معرفی کنند که جهان را متعقد به سرمایه گذاری روی آنها بسازد به این منظور برای حل منازعه افغانستان سکوت اختیار کرده خاموش اند و هیچ واکنش جدی در مقابل طالبان ندارند . پس در نتیجه افغانستان در یک بن بست پیچیده گرفتار است که ناشی از ترکیبی سیاست داخلی سرکوبگرانه ، ضعف اپوزیسیون ، خستگی جامعه جهانی و نبود چشم انداز روشن برای آینده است خروج از این وضعیت نیازمند یک نیروی سیاسی منسجم ، متعهد به حقوق مردم و داری حمایت داخلی و خارجی است بنا بر این افغانستان در یک چرخه پیچیده از استبداد داخلی ، انفعال بین المللی و ناتوانی اپوزیسیون گرفتار شده است که حل این بن بست نیازمند شکل گیری یک جریان سیاسی ملی ، فراگیر ، اخلاق مدار و متعهد به اصول حقوق بشر و عدالت است که هم بتواند در داخل مشروعیت کسب کند و هم در خارج حمایت بین المللی را جلب نماید در اینصورت جامعه جهانی از سکوت و تماشا دست کشیده نقش فعالتر را در حمایت مردم ایفا خواهد کرد پس تا زمانیکه ما خود را نسازیم هیچ قدرت ما را نمی تواند بسازد تا زمانیکه من ها ما نشویم وحدت و همبستگی همدیگر پذیری را از آن خود نسازیم حل مشکل افغانستان به زودی چشم انداز نیست

تهیه کننده ! زرغونه ولی جرمی ۲۵،۲۰۲۵، ۰۵